



جهانی شدن فرهنگ و احساس امنیت سیاسی مطالعه موردی جوانان شهر شیراز

اله‌رحم حیدری^۱

حلیمه عنایت^۲

مجید موحد^۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۳

چکیده

امنیت و ناامنی انسان‌ها در هر دوره‌ای متأثر از شرایط اجتماعی زندگی‌شان است. در دوره مدرن، دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین مرجع و منبع امنیت انسان‌ها محسوب می‌شدند. در دوران اخیر فرآیند جهانی شدن، یکپارچگی دولت - ملت‌ها و زندگی روزمره شهروندان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. یکی از مهم‌ترین اثرهای این دگرگونی عمده پیامدهای امنیتی آن می‌باشد. این مقاله با تأکید بر بعد فرهنگی جهانی شدن، با روش کمی، به بررسی رابطه گرایش به فرهنگ جهانی و احساس امنیت سیاسی جوانان شهر شیراز پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر احساس امنیت سیاسی پاسنخگویان، نگرش آنان نسبت به ارزیابی وضعیت حقوقی زنان در جامعه و میزان بیگانگی اجتماعی - فرهنگی آنان می‌باشد.

واژگان کلیدی

احساس امنیت سیاسی، جوانان، جهانی شدن، شیراز، فرهنگ.

۱- دکترای جامعه‌شناسی و استادیار دانشگاه یاسوج (allahrhm@yahoo.com)

۲- دکترای جامعه‌شناسی و دانشیار دانشگاه شیراز (henayat@rose.shirazu.ac.ir)

۳- دکترای جامعه‌شناسی و دانشیار دانشگاه شیراز (mmovahed@rose.shirazu.ac.ir)

مقدمه

ایجاد امنیت و مقابله با ناامنی و تلاش برای مطالعه و بررسی کم و کیف آن، یکی از دغدغه‌های دیرین بشری بوده است و به اندازه زندگی جمعی بشر قدمت دارد. اما، در سال‌های اخیر، هم‌زمان با تحولات جوامع، مطالعه امنیتی جهت‌های تازه‌ای یافته است. چهار مورد از مهم‌ترین تغییر و تحولات عبارتند از:

- ۱- «تغییر مراجع امنیتی از دولت‌ها به افراد» (هامپسون، ۲۰۰۷)؛
- ۲- «تغییر تمرکز از زمینه سیاسی امنیت به زمینه اجتماعی آن» (مک سوینی، ۲۰۰۷)؛
- ۳- «توسعه تحلیل امنیت از سطوح محلی و ملی به سطح جهانی» (گیدنز، ۲۰۰۴؛ بک، ۲۰۰۷؛ رابرتسون، ۱۳۸۵)؛
- ۴- «تأکید بر بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) به جای تأکید صرف بر بعد عینی آن». (اسچینیر^۱، ۲۰۰۸)

از این‌رو، معنی و مفهوم امنیت و چگونگی مطالعه آن، فرآیندی مستمر به شمار می‌آید که در هر عصر و دوره‌ای می‌توان و باید ابعاد تازه‌ای از آن را کشف کرده و به تکمیل «چیستان^۲ امنیتی» کمک نمود (افتخاری، ۱۳۷۹).

تا اواخر قرن بیستم، دولت، مهم‌ترین کارگزار و مرجع امنیت بود و استراتژی عمده امنیت، ابداع بهترین ابزارهای به کارگیری تهدید و استفاده از نیروی نظامی بود (Williams, 2007: 3). برای تحلیل مسایل و مباحث امنیتی بر چارچوب جامعه متمرکز می‌شدند و روندها و عوامل فراجامعه‌ای نادیده یا دست کم گرفته می‌شد (رابرتسون، ۱۳۸۵). امروزه، نه «نظم سیاسی»، که «نظم اجتماعی» پایه امنیت و احساس امنیت محسوب می‌شود و «بستر اجتماعی» به‌عنوان مهم‌ترین مبنای امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد (افروغ، ۱۳۸۱؛ افتخاری، ۱۳۸۱). همچنین، درک امنیت و تحولات امنیتی بدون توجه به سمت و سوی روندهای جهانی میسر و ممکن نیست (افتخاری، ۱۳۸۱) و ورود به «دوره جهانی شدن» موجب بازنگری‌های جدی در حوزه‌های مختلف علوم شده است (عاملی، ۱۳۸۸: ۲۴). مهم‌تر آن‌که، احساس امنیت در کنار امنیت عینی مطرح شده و حتی اهمیت بیشتری کسب کرده است. «اسچینیر^۳» می‌گوید: «امنیت هم یک احساس است و هم یک واقعیت و این دو یکی نیستند و شاید بهتر می‌بود دو اصطلاح متفاوت برای آن‌ها می‌داشتیم. اما، یکی نبودن امنیت عینی و ذهنی به معنای بی‌ارتباط بودن آن‌ها با یکدیگر نیست؛ زیرا، رابطه‌ای منطقی بین بودن امنیت و

1- Schinier

2- Puzzle

3- Schinier

احساس امنیت وجود دارد. این که آن رابطه منطقی چیست، بدون مراجعه به تعیین وضعیت‌ها و شخصیت‌هایی که در آن وضعیت‌ها قرار گرفته‌اند مشکل است» (هوک، ۱۹۶۶: ۵).

امروزه، بدون شک، یکی از مهم‌ترین عواملی که وضعیت اجتماعی انسان‌ها و جوامع را متحول کرده است «جهانی شدن» است. بنابراین، ما باید مسأله سامان را فراتر از سطح «دولت ملی» صورت‌بندی کنیم و به شرایطی توجه کنیم که تحت آن زمان و مکان چنان سازمان می‌گیرند که حضور و غیبت به هم وصل می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۸). فوران جهانی مسایل و موارد امنیتی در پوشش‌های رسانه‌ای، سخن اندیشمندان، گروه‌های تروریستی و انتشار مقالات و کتب مربوطه، علاوه بر اهمیت موضوع، بیانگر این هستند که بحث درباره امنیت تنها با مراجعه به «زمینه جهانی^۱» معتبر است و درک و تحلیل امنیت براساس تمرکز کردن بر آن‌چه که تنها در «درون»^۲ جوامع اتفاق می‌افتد، کافی و وافی نیست. با در نظر داشتن چهار تغییر بنیادی مذکور، هدف این مقاله بررسی احساس امنیت سیاسی جوانان شهر شیراز در بستر جهانی شدن فرهنگ از منظر «جامعه‌شناسی امنیت» است.

«جامعه‌شناسی امنیت» به عنوان موضوعی نوین و متعلق به اواخر قرن ۲۰ و قرن ۲۱، «بستراجتماعی» را مبنای امنیت می‌داند. «بستراجتماعی» در بردارنده سه دسته از «مؤلفه‌های سخت»، «مؤلفه‌های نرم» و «مؤلفه‌های میانی» است و می‌توان آن‌ها را در سطوح مختلف «فروملی»، «ملی» تا «فراملی» مورد بررسی قرار داد. «مؤلفه‌های نرم» (که در این مقاله بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند) بیشتر جنبه ذهنی دارند و کمتر مورد توجه تحلیل‌گران امنیتی قرار گرفته‌اند؛ و شامل عواملی مانند تحول گفتمانی، مقوله هویت‌سازی و نگرش به آینده هستند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۵۴). امروزه، «بستر اجتماعی» از مرزهای ملی در می‌گذرد و وارد قلمرویی جهانی می‌شود. به عبارتی، برای بسیاری از مردم مسلم شده است که، چه ما آن‌را دوست داشته یا دوست نداشته باشیم و چه آمادگی آن را داشته یا نداشته باشیم، شرایط جهان به معنی دقیق کلمه به گونه‌ای است که ما همه به طور فرآینده‌ای با دیگرانی تماس برقرار می‌کنیم که از خودمان متفاوت هستند (Sarah, 2006). بنابراین، بررسی فرآیند جهانی شدن و پیامدهای مختلف آن برای جوامع به بحثی محوری تبدیل شده است. به تعبیر «تاجیک»، **جهانی شدن**، به عنوان فراگفتمان و یا فراروایت عصر ما، همچون هر گفتمان دیگری، ترکیبی از قدرت، مقاومت، معرفت، متن، حاشیه، خودی، دگر، درون، برون و ... است (تاجیک: ۱۳۸۳: ۳۲). واضح است چند بُعدی بودن این «فراروایت» به همراه تعاریف و

1- Hook

2- Within

3- Within

تصورهای متعدد از آن است و در این مقاله تنها بعد «فرهنگی جهانی شدن» مورد توجه است. زیرا؛ گذشته از آن‌که مسأله مرکزی تعاملات جهانی امروز، تنش بین همگونی و ناهمگونی فرهنگی است (Appadurai, 2001) تأثیرگذارترین بعد جهانی شدن که ارزش‌های دینی و عرفی ما را به چالش کشیده است و توجه افراد و نهادهای زیادی را، در دو جهت طرد و مخالفت یا پذیرش و تأیید، حتی شیفتگی بیش از حد، به خودش معطوف کرده است، بعد فرهنگی جهانی شدن می‌باشد (نکوئی سامانی، ۱۳۸۶؛ کچویان، ۱۳۸۷؛ Haeri, 2001؛ امیری، ۱۳۹۰). «امنیت»، دیگر مفهوم بنیادی این مقاله، از نظر مفهومی، تودرتو بوده و تمایل زیادی برای به‌کارگیری و اطلاق آن بر مصادیق متفاوت و گاه متضاد وجود دارد (حاجیانی، ۱۳۸۴). از مفاهیم آن «در حال توسعه» و در ایران «عقب مانده» (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۸) و به معنی چیزهای متفاوت برای مردم متفاوت است (Thomas, 2007). علی‌رغم تعبیرهای مختلف از امنیت، با تغییر مرجع امنیت از «دولت» به «افراد»، مفاهیم بنیادین «ساخت اجتماعی» و چگونگی تفسیر عاملان از این ساخت و در نتیجه «رضایت» از آن، جایگاهی کانونی در مطالعات امنیتی پیدا کرده‌اند. این نوع فهم و تبیین امنیت که ماحصل دیدگاه انتقادی است، چند عنصر اساسی دارد:

- ۱- فرد در موقعیت اجتماعی: انسان با توجه به شرایط و مقتضیات اجتماعی اش مد نظر است.
 - ۲- فرد در موقعیت دلخواه: در این سطح انسان با توجه به خواسته‌هایش مد نظر است.
 - ۳- فضای داشته-خواسته: این فضا میزان محرومیت و امیدواری فرد را نمایش می‌دهد. به عبارتی، مکتب انتقادی با توجه به دو فضای کاملاً واقعی (یعنی شرایط موجود فرد و شرایطی که او مایل به درک آن است) و طرح مفهوم «رضایت» به تلقی تازه‌ای از امنیت می‌رسد که در آن تأمین و تقویت ضریب امنیتی در گرو مقابله با «حس ناامیدی» است که به افراد از رهگذر تعمیق فضای بین دو فضای مذکور، دست می‌دهد (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۱۰۷).
- شاید یکی از مهم‌ترین عامل این نارضایتی در یک قرن اخیر، تحولات و گوناگونی فرهنگی است که متأثر از تماس و ارتباط با فرهنگ بیگانه به ویژه فرهنگ غرب، در جامعه ما به وجود آمده است. تحولاتی که در هر دو حوزه نظام ایدئولوژیک و نظام سازمانی و نیز در هر دو بعد عینی و ذهنی فرهنگ، منجر به تجزیه فرهنگی افقی (در بین گروه‌های مردم) و عمودی (میان نخبگان و مردم) و شکل‌گیری شکاف وسیع میان توقعات و انتظارات با امکانات شده است (عبدی، ۱۳۸۸). گسترش و استفاده فراگیر از رسانه‌ها به تشدید این شکاف کمک کرده است. اینترنت در کشور ما بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ رشدی حدود ۲۵۰۰ درصدی داشته است (منتظرانم و شاقاسمی، ۱۳۸۷). تعداد ایرانیانی که همواره در چت حضور

دارند بیشترین تعداد افراد در کشورهای جهان هستند^۱.

شکاف بین انتظارات و امکانات، نارضایتی و در نتیجه احساس ناامنی حاصل از آن را می‌توان در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، مورد بررسی و تحلیل قرار داد. اما، بعد سیاسی احساس امنیت، به عنوان هدف این مقاله، از این جهت مهم است که در جامعه ما «امنیت اجتماعی» معادل با احساس «امنیت عمومی» فرض شده است که کثرت مقالات و تحقیق‌های منتشر شده در خصوص احساس امنیت عمومی و فقدان مقالات تجربی در مورد احساس امنیت سیاسی گواه این مدعاست؛ همچنین کسانی که به تحلیل رابطه جهانی شدن با امنیت سیاسی پرداخته‌اند، بیشتر از منظر علوم سیاسی و در سطح دولتی به این رابطه پرداخته و تأثیر جهانی شدن بر احساس امنیت سیاسی شهروندان را مورد توجه قرار نداده‌اند (گل‌محمدی، ۱۳۸۳؛ افشاری، ۱۳۸۰؛ امیری، ۱۳۹۰). به علاوه، دولت در مواقع عدم تطابق ارزشی و هنجاری در جامعه، می‌تواند با حمایت و طرفداری از یک نوع ارزش و هنجار و سرکوب ارزش و هنجارهای دیگر، زمینه ناامنی سیاسی را برای گروه‌های خاص فراهم کند. این تنش در جامعه ما نمودی دو چندان دارد. زیرا نظام سیاسی خاص و دینی که در جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده، همواره کوشیده است از نفوذ فرهنگ غربی در ایران جلوگیری کند و به جای آن غنای فرهنگ ایرانی-اسلامی را خاطر نشان سازد (امام جمعه‌زاده و موسوی، ۱۳۸۸). بهترین جایگاه برای برآورد نتایج تعارض بین ارزش‌های لیبرال دموکراسی که از سوی رسانه‌های غربی منتشر می‌شود و ارزش‌های اسلامی که از سوی حکومت جمهوری اسلامی ایران نمایندگی و منتشر می‌شود، بررسی احساس «امنیت سیاسی جوانان» است که به بیشترین میزان در معرض هر دو نوع انتشار آموزه‌های غربی و اسلامی^۲ و در مرحله حساس گذار اجتماعی و بحران هویتی قرار دارند. بنابراین سؤال اساسی که این مقاله در پی پاسخ‌گویی به آن است این است که جهانی شدن فرهنگ و گرایش به فرهنگ جهانی چه رابطه‌ای با احساس امنیت سیاسی جوانان شهر شیراز دارد؟

فرهنگ

«فرهنگ» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی است که با وجود کاربرد بسیار فراوان، اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. «گیدنز» فرهنگ را مجموعه‌ای از ارزش‌هایی که اعضای یک جامعه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند

۱- نگاه شود به پایگاه اطلاع رسانی تخصصی فناوری اطلاعات، ۱۸ مهر ۱۳۸۰

۲- از ۱۱/۱ درصد کاربران اینترنت در کشور، ۷۶/۳ درصد سنی بین ۱۰ - ۲۹ سال دارند (طرح آمارگیری کاربران اینترنت کشور در سال ۱۳۸۷)

و شیوه زندگی اعضای یک جامعه می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۶). «فرهنگ» جعبه ابزاری است حاوی اعمال و عادت‌هایی که ما را یاری می‌کند تا جهان را درک کنیم (مانند علم و دین) و بر روی آن عمل کنیم (مانند فناوری) و نیز یک منبع نهادهای احساسی (مانند هویت ملی) و ارزش‌ها (مانند آزادی و عدالت) که به واسطه آن‌ها هویت کسب می‌کنیم، به اعمال خود جهت می‌دهیم و آن را توجیه می‌کنیم (Holton, 1998؛ به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). در تعریف فرهنگ، ایجاد وحدت میان جمع و ویژه‌ای یا متمایز کردن آنان از دیگران نقش برجسته‌ای دارد. بدین ترتیب، فرهنگ مجموعه‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی از افراد فرا گرفته می‌شود و میان آنان مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود؛ تا این اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد. با این معنی، فرهنگ ملاک‌های اخلاقی و زیبایی شناختی را برای تمیز میان صحیح و غلط، زشت و زیبا، تراژدی و مضحک و غیره فراهم می‌آورد. این مفاهیم و ملاک‌ها در سه سطح نظام ایدئوژیک (تصورات، عقاید، ارزش‌ها و شیوه‌های استدلالی)، نظام تکنولوژیک (مهارت‌ها و حرفه‌ها) و نظام سازمانی (هماهنگی رفتارهای خود با دیگران) قابل شناسایی هستند (عبدی، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

اجزا و عناصر پیچیده فرهنگ به هیچ روی ثابت و منسجم نیستند و در چارچوب زمان و فضا دگرگون می‌شوند. با گذشت زمان برخی آداب و رسوم از بین می‌روند، برخی دگرگون می‌شوند و برخی در فرهنگ‌های بزرگ‌تر ادغام می‌شوند. همچنین در موارد بسیاری، مقتضیات زمانی و نیازهای سیاسی به احیای برخی عناصر فرهنگی و سرکوب برخی دیگر می‌انجامد (همان: ۱۲۵). یکی از تحولات اساسی مفهوم «فرهنگ» این است که برخلاف تئوری پردازان کلاسیک، به ویژه مارکسیست‌ها، در تفکر امروزی، «فرهنگ» نه به عنوان متغیری وابسته؛ بلکه، به عنوان متغیری «مستقل» شناخته می‌شود که نوعی استقلال نسبی در شکل دادن کنش‌ها و نهادها دارد (Alexander & Smith, 2006: 136). این تحول به شکل‌گیری نوعی «نظریه فرهنگی» انجامیده است. پیش فرض اساسی نظریه فرهنگی آن است که رفتار انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران، متأثر از الگوهای روابط اجتماعی و «گرایش‌های فرهنگی»^۱ است. این دو مؤلفه خود ریشه در الگوهای روابط میان فردی و ارزش‌های مشترک و اعتقادات دارد. از این رو، مطالعه و تشخیص الگوهای اعتقادی و ارزشی که زمینه ساز «پیش‌داوری فرهنگی» می‌شود و بر ارزیابی سیاست و مفهوم اقتدار دولتی تأثیرگذار است، اهمیتی حیاتی داد (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۷۸).

1- Cultural Biases

جهانی شدن فرهنگ

گفتمان «جهانی شدن» به خدای هندی شباهت دارد؛ چهره‌های زیادی دارد، پر رمز و راز است، همه این چهره‌ها قدرتمندند و منتهی به نگرشی می‌شود که آن را تقویت می‌کند: **ترس یا امید** (Beck, 2006: 143). «جهانی شدن» یکی از مناقشه‌آمیزترین و در عین حال، پرکاربردترین اصطلاحات امروزی است که توافق چندانی در مورد معنی و مفهوم آن وجود ندارد. اندیشمندان متناسب با آن عاملی که به نظرشان تأثیرگذارترین عامل جهانی شدن بوده است، آن را تعریف کرده‌اند: «مک لوهان» (۱۹۶۲) تحت تأثیر برجسته نمودن رسانه‌ها از اصطلاح «دهکده جهانی»؛ «والرشتاین» (۱۹۸۷) با تأکید بر بعد اقتصادی از «نظام جهانی»؛ «گیدنز» (۱۳۷۸؛ ۱۳۸۰) با تأکید بر بعد فرهنگی - نهادی مدرنیته از «جهانی شدن مدرنیته»؛ «هانتینگتون» (۲۰۰۱) با برجسته نمودن مرزهای تمدنی از «برخورد تمدن‌ها»؛ و «اپادورای» (۲۰۰۱) با تأکید بر چشم‌اندازهای فرهنگی از «همگونی و ناهمگونی فرهنگی» سخن می‌گویند. بنابراین، ضرورت دارد «جهانی شدن» را در حالت جمع آن و به صورت فرآیندی چند بعدی در نظر بگیریم. همچنین، بین جهانی شدن به مثابه یک سیاست و پروژه یا به عنوان پیامد غیر عمدی مجموعه‌ای از فرآیندها، تمایز قایل شویم. (Pieterse, 2001: 99- 100)

«نظریه فرهنگی جهانی شدن»، استدلال می‌کند که فرهنگ جهانی به موجب تنوعی از تحولات فرهنگی و اجتماعی ظهور می‌یابد. وجود نظام اطلاعاتی «قمر - جهانی»^۱؛ ظهور الگوهای جهانی مصرف و مصرف‌گرایی؛ رواج سبک‌های زندگی جهان وطن؛ ظهور ورزش‌های جهانی؛ گسترش توریسم جهانی؛ کاهش اقتدار دولت ملت؛ توسعه و گسترش مفهوم حقوق انسانی و مبادله «دوسویه»^۲ پیچیده بین ادیان جهانی (مارشال^۳ ۱۹۹۸: ۲۵۸). پر مجادله‌ترین بحث‌ها پیرامون «جهانی شدن فرهنگ» به چگونگی تصویر آن به عنوان «پروسه»^۴ یا «پروژه»^۵ و به تبع آن، به چگونگی تصویر پیامدهای فرهنگی و عکس‌العمل در برابر آن مربوط می‌شود. «افراط‌گراها» معتقدند فرهنگ مورد پسند آمریکایی و مدل مصرف‌گرایی غربی بر جهان چیره خواهد شد و فرهنگ یکپارچه جهانی نتیجه قطعی روند جهانی شدن است. در «نظریه میانی جهانی شدن»، معتقدند هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند به طور کامل و دست نخورده و بدون حتی کوچک‌ترین تغییری جهانی شود و همه

- 1- World- Satellite Information System
- 2- Interchange
- 3- Marshall
- 4- Process
- 5- Project

فرهنگ‌ها متناسب با قدرت و اقتدار و پذیرش فرهنگی، قلمرو جهانی پیدا می‌کنند. توجه به تنوع و توسعه «پلورالیسم» در عصر جهانی شدن، یکی از اختصاصات مهم این نظریه است (عاملی، ۱۳۸۸). علی‌رغم تفسیرات متفاوت از جهانی شدن، نکته مورد توافق این است که جهانی شدن در حکم انقلابی جهانی است، انقلابی جهانی که از جهانی امنیت همه مردم جهان را تهدید می‌کند (Khaled, 2007: 6).

«رودی» پیامدهای جهانی شدن را متأثر از توقیف یا تهدید توهین‌آمیز آن، از رد کردن و نپذیرفتن، پیوندی شدن تا تکثرگرایی می‌داند. تماس فرهنگی جایی با مقاومت روبه‌رو می‌شود که کردارها یا باورهای فرهنگی بیرونی اجباری تحمیل شده، رسوم محلی ارزشمند را به خطر می‌اندازد. برعکس، این تماس فرهنگی جایی خوشایند است که کردارهای فرهنگی بیرونی به طور مسالمت‌آمیز پیشنهاد شده، مطلوب هستند. بنابراین واکنش به جهانی شدن فرهنگی به محتوای اجباری انتشار ارزش‌ها، نمادها، آیین‌ها و اخلاقیات فرهنگ مسلط^۲ بستگی داد (31-54: 2004). مکمل بیان «رودی» طرح دو سؤال مهم است:

۱- محتوای فرهنگی مسلط (فرهنگ جهانی) با فرهنگ چه کسی یا کسانی منافات دارد؟ به عبارتی، فرهنگ مسلط بیرونی از دیدگاه چه کسی یا کسانی تحمیلی یا خویشانند محسوب می‌شود؟ دولت یا مردم؟ یا گروه‌هایی از مردم!

۲- آیا این پیامدها در تمام ابعاد فرهنگ یکسان است یا خیر؟

در پاسخ به سؤال اول، باید گفت دولت‌ها یا جوامع را نمی‌توان به عنوان یک قالب متحدالشکل^۳ یا «هستی‌های یکدست»^۴ در نظر گرفت که به طور یکسانی به تحریک و محیط بیرونی‌شان پاسخ می‌دهند. این امکان تنها در دو صورت امکان پذیر است: دولت‌ها را به عنوان تنها بازیگران اصلی جهانی شدن و روابط بین‌المللی در نظر بگیریم؛ در این صورت، این دولت‌ها هستند که به جنگ می‌پردازند، به صلح مبادرت می‌کنند، علیه یکدیگر متحد می‌شوند یا با یکدیگر همکاری می‌کند (Mc Sweeney, 2004: 123)؛ در صورتی که محلی‌ها (نخبگان و توده‌ها) هیچ نوع انتخابی در نوع عکس‌العملی که به جریان‌های بیرونی نشان می‌دهند نداشته باشد (Rudy, 2004: 55)، پاسخ مثبت به سؤال دوم نیز، مستلزم تقلیل همه ابعاد و عناصر فرهنگی به یک عنصر یا بعد آن است. برای مثال، هرچند می‌توان از طریق فشارهای اجتماعی مثل قانون و سنت مانع از پوشیدن نوع معینی از پوشش شد؛ اما

1- Rudy

2- Hegemonic Culture

3- Uniform

4- Undifferentiated Entities

نمی‌توان جلوی معیارهای ارزشی را که ذهنی هستند گرفت. بحث تضاد ارزشی در سطوح و ابعاد مختلف فرهنگ جامعه ایران به خوبی در کار عبدی و گودرزی انجام شده است. با توجه به موارد بالا، به نظر نویسندگان این مقاله، مناسب‌ترین اصطلاح برای توصیف روند و پیامدهای جهانی شدن «جهان محلی شدن»^۱ است (رابرتسون، ۱۳۸۵)؛ زیرا هر چند شاهد گسترش الگوهای فرهنگی تجدد یا غرب هستیم، اما پذیرش آن‌ها به شکل واحد و به گونه‌ای منفعلانه انجام نمی‌گیرد (کچویان، ۱۳۸۲: ۱۵). به تعبیر «بوردیو»^۲، تأثیرات جهانی شدن، تحت تأثیر بحران‌ها، عادت‌واره‌ها، ذائقه‌ها و تمایلات پیشینی مردم به عنوان پس زمینه فرهنگی قرار می‌گیرد که تصور عمومیشان از زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (udy, 2004) به عبارتی، برای ارزیابی تأثیرات جهانی شدن بر احساس امنیت نباید نقش عاملان انسانی^۳، ارزش‌ها و تمایلات آن‌ها را نادیده گرفت. تفاوت واکنش‌ها در برابر روند جهانی شدن فرهنگ، بیانگر این موضوع است. زیرا هم بینش‌های «اتوپایی»^۴ درباره جهانی شدن وجود دارد که به فرصت‌های مهم برای عدالت جهانی، حقوق انسانی و جهان وطن‌گرایی توجه می‌کند و در مقابل بینش‌های «اتوپایی‌زدا» قرار دارند که بر تخریب فرهنگ‌های محلی، سلطه مصرف‌گرایی و رشد تروریسم و جرم بین‌المللی تأکید دارند (Ameli, 2004: 80).

«نصر» در کتاب «جوان مسلمان و دنیای متجدد»، واکنش یا پاسخ اسلامی جوان مسلمان در قبال چالش‌های مدرنیسم یا تجدد را در چهار بخش دسته بندی می‌کند:

- جهات دینی و معنوی و فکری،
- جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی سیاسی،
- وجه هنری،
- شیوه زندگی متلازم با دنیای متجدد.

روشن است که جان و جوهر پاسخ اسلامی به دنیای متجدد در جهات دینی و معنوی و فکری زندگی بشر نهفته است. در جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی اسلام، «نصر» دو مسأله اساسی را «پوشاندن موی زن‌ها» و «نقش اجتماعی زنان» می‌داند. به تقریب همه غربی‌ها که می‌خواهند به اسلام حمله کنند، قبل از هر چیز به نقش زنان در جامعه اسلامی حمله می‌کنند. در بخش سیاسی بیشترین چالش به «بحث دموکراسی و تبلور آن در نهادهای

- 1- Glocalization
- 2- Bourdiou
- 3- Bourdiou
- 4- Utopia

سیاسی غرب» مربوط می‌شود. در شیوه زندگی، مقاومت در مقابل جاذبه‌های بسیار نیرومند شیوه زندگی جدید برای جوانان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، بسیار دشوار است؛ زیرا این شیوه زندگی دقیقاً معطوف به قوای شهوت و غضب در نفس است و تن در دادن به آن بسیار سهل‌تر از تسلیم شدن در مقابل قوای عالی‌تر نفس است که مستلزم انضباط روح است. بنابراین، شناختن معنا و نفوذ همه جوانب مجموعه‌ای که به شیوه زندگی جدید موسوم است، نهایت اهمیت را دارد.

امنیت و امنیت سیاسی

در باره چيستی «امنیت» دو فلسفه غالب وجود دارد: در فلسفه اول امنیت به عنوان یک «کالا» درک می‌شود که کنشگران برای ایمن بودن آن‌ها را داشته باشد (دارایی، پول، اسلحه، ارتش، ...). فلسفه دوم امنیت را «مبتنی بر رهایی»^۲ می‌بیند؛ یعنی یک موضوع مربوط به عدالت و تأمین حقوق انسانی. از این دیدگاه امنیت به مثابه یک رابطه بین کنشگران متفاوت فهمیده می‌شود تا یک کالا. این روابط ممکن است در صورت‌های سلبی (نبود چیزی تهدیدآمیز) یا صورت‌های ایجابی (پدیده‌هایی که توانمندساز هستند و چیزها را امکان‌پذیر می‌سازند) درک شود (Williams, 2007: 3-8). «امنیت»، مفهومی چند بعدی و دارای دو بعد عینی (عدم تهدید) و ذهنی (احساس عدم تهدید) است. «وُلفرز» امنیت را از یک طرف، حس عینی فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌های اکتسابی (عینی) و از طرف دیگر، احساس ذهنی و روانی فقدان ترس از این که ارزش‌ها مورد تعرض قرار بگیرند (حساس امنیت)، تعریف می‌کند. با پیچیده‌تر شدن زندگی اجتماعی، بعد احساسی امنیت مهم‌تر از بعد عینی آن شده است. زیرا آنچه که رفتار و اعمال آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد همان احساس امنیت یا احساس در امان بودن است (کلاهیجان، ۱۳۸۴: ۱۴۱). از نظر جامعه‌شناختی، «امنیت» و یا احساس «امنیت‌فردی» را می‌توان، به صورت تحلیلی، در رابطه با حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - دینی زندگی اجتماعی مورد بررسی و تحلیل قرار داد. ماهیت و مصداق امنیت در هر یک از این حوزه‌ها، در عین مرتبط بودن، متفاوت است. مسأله امنیت سیاسی، که بیشتر به عملکرد حوزه اجتماع سیاسی مربوط می‌شود، از نظر جامعه‌شناختی، با میزان وفاق ارزشی حوزه اجتماعی و حوزه سیاسی ارتباطی تنگاتنگ دارد. زیرا هرچه وفاق ارزشی کم‌تر باشد دولت برای اعمال حاکمیت بیشتر به زور و قدرت متوسل می‌شود که به ایجاد نوعی وفاق سیاسی شکننده و

1- Commodity

2- Emancipation

بی دوام می‌انجامد. در مقابل، وجود ارزش‌های مشترک دولت و ملت به ایجاد نوعی وفاق اجتماعی و نظم با دوام‌تر می‌انجامد. به عبارتی، اگر نظم سیاسی معرف آرزوها، تمایلات و خواسته‌های جامعه نباشد، دولت به بهانه‌های مختلف در عرصه زیست جهان افراد دخالت می‌نماید و موجب ناامنی و سلب آسایش و آرامش آن‌ها می‌شود (افروغ، ۱۳۸۱: ۲۴۸).

با از بین رفتن «یکدستی فرهنگی»، متأثر از عوامل درون‌زا (سبک‌های جامعه‌پذیری، طبقه، تحصیلات متفاوت و...) یا برون‌زا (گسترش اینترنت، گسترش افکار و اندیشه‌های جهانی ...) احتمال پیدایش نوعی «شکاف فرهنگی» در بین مردم با یکدیگر یا بین مردم و حکومت افزایش می‌یابد. شکاف فرهنگی که بیانگر احساس‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای متفاوت، و گاه متعارض، در بین گروه‌های مختلف جامعه‌ای واحد است. در این زمان است که دولت و حکومت می‌توانند با اتخاذ ترتیباتی مبتنی بر اجبار، هنجارها را به لحاظ آن‌که عینی هستند، مطابق خواست خود کنترل یا هدایت کند؛ ولی این ابزار برای تغییر ارزش‌ها که ذهنی هستند مؤثر نمی‌باشد. در نتیجه دوگانگی فرهنگی در عرصه تطابق ذهنیت تشدید می‌شود (عبدی، ۱۳۸۸: ۸۴). همچنین، بعضی از شیوه‌های زندگی یا انواعی از هویت‌های اجتماعی، ممکن است از طریق سیاست‌هایی که به نام یک نوع سیاست امنیتی مشروعیت یافته‌اند تهدید شوند. سیاست‌هایی که برای نظم و امنیت اجتماعی مناسب منفی دارند. برای مثال، امنیتی کردن پنهانی^۱ و کنترل اجتماعی شدید جامعه توسط دولت در اکثر کشورهای اروپای شرقی در طول جنگ سرد، دلیل اصلی از هم گسیختن نظم اجتماعیشان بود. از این رو، یکی از ضعف‌های اساسی رهیافت‌های احساس امنیت سیاسی که تنها بر «سیاست امنیتی دولتی قوی»^۲ تأکید دارند؛ این است که نمی‌توانند این نکته را در نظر بگیرند که خود این سیاست می‌تواند بزرگ‌ترین مسأله امنیتی جامعه باشد (Mc Sweeney, 2004: 161-163).

بنابراین، اگر بپذیریم، نه «بقای دولت‌ها»، که «امنیت افراد» در «زندگی روزانه»^۳ و امنیت نظم اجتماعی در سطح زندگی معمولی و فردی، مبنا و جوهره احساس امنیت محسوب می‌شود (Mc Sweeney, 2004: 163)؛ مخالفت دولت با بعضی از شیوه‌های زندگی یا سرکوب آن‌ها از سوی دولت می‌تواند موجب احساس ناامنی سیاسی افرادی از اجتماع شود که ارزش‌ها، احساس‌ها و سبک‌های زندگی متفاوتی با آن‌چه که مورد نظر دولت است، دارند. همچنین، امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف دولت باشد

1- Secret Policing

2- Powerful State Security Policy

3- Everyday Life

در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی ندارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹). از این رو، احساس امنیت سیاسی عبارت از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به عدم تضییع این حقوق توسط دولت و سازمان‌های سیاسی است و این‌که احساس کنند می‌توانند آزادانه در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته و به بیان آرا و افکار سیاسی خود بپردازند؛ همچنین، احساس کنند رسانه‌ها می‌توانند آزادانه و بدون ترس به انعکاس مطالب و وقایع سیاسی کشور بپردازند. شاخص‌های احساس امنیت سیاسی در این تحقیق انتخابی بودن مسئولین، فرصت برابر برای انتخاب شدن برای سمت‌های سیاسی، آزادی بیان، هماهنگی بین مسئولین کشور، داشتن تخصص و دانش لازم مسئولین سیاسی، توانایی حل مشکلات کشور و برنامه‌ریزی برای پیشرفت جامعه بوده است (کتابی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۶). در این مقاله، احساس امنیت سیاسی پاسخگویان با توجه به شاخص‌های فوق از طریق ۱۰ گویه بر اساس «طیف لیکرت» ارزیابی شد.

پیوند جهانی شدن و احساس امنیت سیاسی

در سال‌های جدید، علاوه بر نوع ساختار سیاسی حکومت ملی، آنچه در بحث امنیت سیاسی برجسته شده است، بحث مربوط به جهانی شدن و تأثیرات آن است. جهانی شدن حداقل در دو مورد باعث آسیب‌پذیری کشورها می‌شود:

الف- عقاید، فناوری، مرام، کالاها، خدمات و... این‌ها به یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی می‌انجامد؛

ب- اثر این تحول‌ها و فرآیندها می‌تواند اضمحلال مشروعیت سیاسی، افزایش ابهام درباره‌ی مناسب‌ترین ساختارهای اقتدار جهت مدیریت مسایل امنیتی، فرهنگی و سیاسی، و نیز سلطه‌ی هرج و مرج و آنارشی باشد (ستوده، ۱۳۷۹: ۴۰). همچنین، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، ارزش‌های فرهنگی و سیاسی و بومی را در معرض مقایسه و گاه تعارض و چالش با ارزش‌های فرهنگی سیاسی مسلط جهانی قرار می‌دهد. الگوهای نگرشی و رفتاری افراد در اثر این وضعیت مداوم تغییر می‌کند و این امر روند یکپارچگی جهانی و احساس جدایی از جامعه ملی را سرعت بیشتری می‌بخشد (امیری، ۱۳۹۰). اهمیت تأثیر جهانی شدن برای کشورهایایی مثل ایران، که بر اساس ارزش‌های دینی امور خود را تنظیم می‌کنند دو چندان است. زیرا بین ارزش‌های لیبرال دموکراسی که از سوی رسانه‌های غربی منتشر می‌شود و ارزش‌های اسلامی که از سوی حکومت اسلامی تبلیغ و اجرا می‌شوند، تعارض جدی وجود دارد (هادوی، ۱۳۸۵: ۶۳).

برای تحلیل پیامدهای سیاسی جهانی شدن، مهم‌ترین نکته به سطح تحلیل این رابطه

مربوط می‌شود. زیرا کسانی که سطح تحلیلشان را بر «گفتمان رسمی و نظام معرفتی جامعه ایران» متمرکز می‌کنند، به دوگانگی و تعارض و قطبی دیدن نو و کهنه و ارزش‌های جهانی در برابر ارزش‌های ملی و در نهایت هویت دوگانه و جامعه دوگانه اشاره می‌کنند. برعکس، کسانی که بر سطح زندگی روزمره تمرکز می‌کنند شاهد این هستند که در سطح زندگی یومیه مردم، ارزش‌های جهانی و ارزش‌های بومی و محلی به جای تقابل، با هم تعامل داشته و با یکدیگر زیست می‌کنند و کنار هم می‌نشینند. برای مثال، در عرصه زندگی تهرانی‌ها، «صف‌آرایی و قطب‌بندی» جدی مشهود نیست؛ زشتی و زیبایی را می‌توان در کنار هم دید. آدم‌های مذهبی یا سکولار، معتقد یا بی‌اعتقاد، همه در کنار هم به طور مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند. بنابراین آنچه به دیدگاه یک‌جانبه‌گرایی یا تعامل‌گرایی می‌انجامد، بستگی به زاویه دید اول یا دوم دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۴).

«افتخاری»، در مقاله‌ای با عنوان «ناامنی جهانی؛ چهره دوم جهانی شدن» با ارزیابی پیامدهای امنیتی جهانی شدن، به ویژه برای کشورهای «جهان سوم» و از جمله کشور ایران می‌گوید: «جهانی شدن یکی از وقایع تاریخ‌ساز دوران اخیر است که با ناامنی همراه است. جهانی شدن چارچوب ملی را به مبارزه فرا می‌خواند که «ثبات» و «استقرار» بسیاری از نظام‌ها مبتنی بر آن است و همین امر می‌تواند نویدبخش موج توفنده‌ای از «ناامنی» برای این گروه از واحدهای سیاسی باشد. همه کشورهای تحت تأثیر «پروسه» یا «پروژه» جهانی شدن بسته به توانایی‌ها و امکانات یک کشور قرار می‌گیرند. قدرت‌های برتر این پیوند امنیتی بین دولت‌ها را «فرصت» تلقی می‌کنند، حال آن‌که برای کشورهای جهان سوم این پیوند «ام‌المسائل» است؛ زیرا باعث استمرار توسعه نیافتگی آن‌ها می‌شود و یا با فرو بردن آن‌ها در گرداب مشکلات جهانی، آن‌ها را دچار بحران کارآمدی و به تبع آن «مشروعیت» می‌کند. «امام‌جمعه‌زاده و موسوی» در پرتوی مفاهیم خاص‌گرایی عام و عام‌گرایی خاص «رابرتسون»، به تحلیل «جهانی شدن فرهنگ و سیاست در ایران» پرداخته‌اند. آن‌ها می‌گویند: «از اصلی‌ترین عواملی که باعث تقویت خاص‌گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پی فرآیند جهانی شدن شده است، می‌توان به اصول و اعتقادات دینی، مبانی قانون اساسی و هویت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که محدودیت‌های زیادی در پذیرش وجوه سیاسی جهانی شدن پیش روی می‌گذارد». فرآیند جهانی شدن نسبت به مسایل فرهنگی باعث اتفاق افتادن نگرش عام و جهانی گردیده، اما با توجه به دلایل یادشده در حوزه فرهنگ سیاسی وضعیت خاصی به وقوع پیوسته و باعث باز تعریف مسایل سیاسی شده است.

«رنجبر» در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» به تحول‌ها و شکاف‌های گفتمان امنیتی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. وی

گفتمان‌های حاکم بر سیاست امنیتی جمهوری اسلامی را به دو دسته سنتی و مدرن تقسیم می‌کند؛ خود گفتمان سنتی نیز به دو دسته ایدئولوژی گرای افراطی (تا پایان جنگ ایران و عراق) و ایدئولوژی تعدیل شده (تا پایان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی) تقسیم می‌شود. گفتمان مدرن با ظهور دولت آقای «خاتمی» شروع می‌شود؛ ظهور این گفتمان نه تنها ناشی از ضرورت‌های سیاسی، که از تحول نسل‌ها ناشی می‌شود. «شکاف گفتمانی» شکافی است که موجب تحول در مبانی فکری و نظری سیاست‌های امنیتی می‌شود. ایشان تقسیم مهم دیگری به نام «نظرات درون حاکمیت» و «نظرات بیرون حاکمیت» را مطرح می‌کند. مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان سنتی، تعریف ارزش مدار از امنیت، پاسداشت ارزش‌ها، دولت محور بودن امنیت، حفظ نظام سیاسی به عنوان مهم‌ترین هدف سیاست‌های امنیتی و تضاد با غرب هستند. این گفتمان، امنیت، قدرت، ارزش و تهدیدها را هنوز در سایه ایدئولوژی تعریف می‌کند و در درون جامعه اسلامی، نظام اسلامی و نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران طرفداران جدی زیادی دارد. گفتمان نوین امنیت ملی جمهوری اسلامی قبل از ریاست جمهوری آقای «احمدی‌نژاد» با انتخاب آقای «خاتمی» در سال ۱۳۷۶ شروع شد. ویژگی‌های این گفتمان موارد زیر هستند: «امنیت» بالاترین ارزش جامعه است و مهم‌ترین وظیفه حکومت را امنیت و تأمین زمینه بقا و رشد اعضای جامعه می‌داند؛ از لحاظ فرهنگی و سیاسی، به ترتیب، مهم‌ترین تهدیدها شکاف بین اندیشه و عمل نخبگان و فقدان مشروعیت سیاسی، انسجام و یکپارچگی و ظرفیت پایین سیاسی و ناتوانی و ناکارایی اقتصادی هستند؛ ارزش‌های جدید مانند رعایت حقوق و آزادی‌های فردی، دموکراسی و حق حاکمیت مردم اولویت دارند و توجه به این حقوق را جزء ارزش‌های اساسی جامعه و رعایت آن‌ها را جهت تحکیم و ثبات سیاسی و امنیت بلندمدت ضروری می‌داند.

آنچه مهم است این‌که تا کنون هیچ مطالعه‌ای (یا حداقل نویسنده‌یی) در داخل، از منظر جامعه‌شناسی و در سطح تحلیل زندگی روزمره، به روش پیمایشی، به رابطه جهانی شدن فرهنگ و احساس امنیت سیاسی افراد نپرداخته است. اکثر مطالعات ذکر شده (تحلیل‌های زیادی صورت گرفته که نویسنده از آوردن آن‌ها خودداری کرده است) در سطح تحلیلی - گفتمانی و با رویکرد علوم سیاسی به بررسی رابطه جهانی شدن و امنیت سیاسی نظام سیاسی و دولت ایران پرداخته‌اند. اما توجه به رابطه جهانی شدن فرهنگ و احساس امنیت در کل و احساس امنیت سیاسی به طور خاص، از منظر جامعه شناسی و در سطح زندگی روزمره بیشتر، یا حداقل به همان اندازه تحلیل گفتمانی، اهمیت دارد. امروزه، حتی اندیشمندان رشته ارتباطات بین‌المللی، امنیت بین دولت‌ها را از منظر جامعه‌شناسی «بازاندیشانه» و در سطح زندگی روزمره و احساس امنیت فردی

مورد بررسی قرار می‌دهند (Steele, 2008; Mc Sweeney, 2004). قبل از بحث روش‌شناسی، نظریه سه تن از مهم‌ترین نظریه‌پردازان جهانی شدن فرهنگ که مناسب‌ترین با بحث حاضر دارد و هر سه علی‌رغم برجسته دانستن فرآیند جهانی شدن و تأثیرات آن، پیامدهای آن را برای جوامع و افراد مختلف یکسان نمی‌دانند، ذکر می‌شود.

گیدنز

«گیدنز» جهانی شدن را فراگیر شدن مدرنیته، شیوه‌های زندگی مدرن و نهادهای مدرن در سراسر جهان می‌داند. به نظر وی (۱۳۷۸، ۱۳۸۰، ۱۳۸۲، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲) سه ویژگی، ۱- جدایی زمان و فضا ۲- سطح مکانیسم‌های ازجاکنندگی و ۳- تخصیص بازاندیشانه دانش؛ عوامل انقطاع جهان مدرن از جهان ماقبل مدرن و ظهور «جامعه جهانی» اند. در پرتوی جدایی زمان و فضا، پیوندهای میان حضور و غیبت امکان پذیر می‌شود و در گسترده‌ترین سطح، جهانی شدن به عنوان گسترده‌ترین سطح فاصله‌گیری زمانی - فضایی اتفاق می‌افتد. جدایی زمان و فضا زمینه دومین فرآیند مهم، یعنی ازجاکنندگی را فراهم کرده است. منظور از ازجاکنندگی، کنده شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی هم‌کنش و تجدید ساختار آن‌ها در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی - مکانی است. دو نوع مکانیسم ازجاکنندگی «خلق نشانه‌های نمادین» و «نظام‌های تخصصی» اند. یکی از نشانه‌های نمادین مهم «مشروعیت سیاسی» است. نظام‌های تخصصی و نشانه‌های نمادین، با فراهم کردن «تضمین‌های» چشم‌داشت‌ها در پهنه زمانی - مکانی با فاصله، عمل ازجاکنندگی را انجام می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۳). وی بین «اصول انتزاعی فارغ از مکان و زمان» و تحقق آن‌ها در مکان - زمان خاص، براساس مفاهیم «پایبندی‌های چهره‌دار و پایبندی‌های بی‌چهره» تمایز قایل شود. این دو فرآیند با هم، زمینه بازاندیشی اجتماعی را فراهم می‌کنند. بازاندیشی اجتماعی عامل عمده ازهم‌گسیختگی دانش و نظارت است، همان چیزی که سرچشمه اصلی عدم قطعیت تولیدشده به شمار می‌آید. (Ekberg, 2007: 354).

در پرتوی مفاهیم «ازجاکنندگی، بازاندیشی، پایبندی‌های بی‌چهره و چهره‌دار» مطرح شده توسط «گیدنز» می‌توان گفت افراد تحت تأثیر رسانه‌های جهانی، دید و بازدید از کشورهای دیگر (جهانی شدن)، کسب آموزش نوین و گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی به اصول انتزاعی مانند آگاهی نسبت به حقوق خود، نحوه برخورد مسئولان با شهروندان، سبک پوشش و آزادی‌های مدنی و... گرایش پیدا می‌کنند (پایبندی‌های بی‌چهره) که این اصول و گرایش‌های انتزاعی با واقعیت عملکردی نهادها و سازمان‌های مختلف رسمی و غیررسمی جامعه فاصله دارد (پایبندی‌های چهره‌دار). به تعبیر ساده‌تر بین انتظارات برای رعایت اصول

انتزاعی بی‌زمان و مکان و عدم رعایت آن‌ها در مکان‌ها و زمان‌های خاص (واقعیت) شکاف ایجاد می‌شود و هرچه این شکاف عمیق‌تر شود، افراد بیشتر نسبت به جامعه بیگانه شده و بیشتر احساس ناامنی سیاسی می‌کنند.

الریش بک

به نظر «بک»، جهانی شدن در زمینه نظری-اجتماعی در حکم یک انقلاب در علوم اجتماعی است که یک تغییر در دیدگاه، تغییر پارادایم‌ها از «ملی‌گرایی روش‌شناختی» غالب به «یک جهان وطن‌گرایی روش‌شناختی^۱» را موجب می‌شود. «بک» به جای مفهوم جهانی شدن از جهانی شدن درون^۲ یا جهان وطنی شدن جوامع، مبتنی بر دولت-ملت از درون اشاره می‌کند. «جهانی شدن درونی» به معنی «بازاندیشی» در مورد فرآیندهای مدرنیزاسیون و یا ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و شخصی است (Beck, 2006: 143). جهانی شدن چیزی است که «بیرون آن‌جا»^۳ اتفاق می‌افتد و بیانگر نوعی «مدل پیازی» درباره جهان است؛ اما، جهان وطنی شدن «از درون»^۴ اتفاق می‌افتد. این گونه است که ما می‌توانیم فرض دولت-ملت را نادیده بگیریم، و بررسی تجربی پدیده‌های محلی-جهانی را امکان پذیر سازیم (Beck & Sznaider, 2006: 9). فرآیند جهان وطنی شدن باید به عنوان فرآیندی رابطه‌ای فهمیده شود که از یک طرف در آن ارتباطات بین تغییرها و جنبش‌های جهان وطنی و از طرف دیگر مقاومت‌ها و موانعی که توسط آن‌ها ایجاد می‌شود با هم تحلیل می‌شوند. جهان وطنی شدن به هیچ وجه اشاره به یک جامعه جهان وطنی ندارد، بلکه رابطه تعاملی ملی‌زدایی شدن و دوباره ملی شدن، قومیت‌زدایی شدن و دوباره قومی شدن، محلی‌زدایی شدن و دوباره محلی کردن در جامعه و سیاست است (Beck, 2000: 96-98). «بک» بین دو نوع «جهانی شدن ساده» و «جهانی شدن بازاندیشانه» تفاوت قائل است. در پارادایم عصر مدرنیته اولیه، جهانی شدن ساده در درون محدوده‌های قلمرویی دولت و سیاست، جامعه و فرهنگ تفسیر می‌شود. مقوله‌ای که می‌تواند «بیانگر دیدگاه جهان وطنی» باشد، تغییر اولویتی خیلی مهم از قانون بین‌المللی (مربوط به نظم جهانی دولت-ملت) به حقوق بشر (مربوط به تعلیم جهانی جهان وطنی) است. این حقوق به افراد حق قانونی می‌دهد تا متناسب با انگیزه‌های خودشان عمل کنند. همچنین در عصر «جهان وطنی» ادعای

1- Methodological Cosmopolitanism

۲- Internal Globalization

3- Out There

4- From Within

غربی برای انحصارگری بر مدرنیته متلاشی می‌شود و تاریخ و وضعیت مدرنیته‌های واگرا در همه قسمت‌های جهان به چشم می‌آیند (Beck, 2002: 10). بر اساس نظر «بک» نمی‌توان نتیجه‌ای قطعی برای جهانی شدن فرهنگی پذیرفت؛ آن‌چه قطعی می‌نماید این‌که افراد در زمینه‌ای جهانی به **بازاندیشی** در مورد نگرش‌ها، افکار، احساسات و روابط گذشته و حال خود می‌پردازند. در ضمن مینا و منبع این بازاندیشی می‌تواند سنتی (مانند دین، سنت و عرف ...) یا جدید (مانند عقل، علم، ...) باشد.

رابرتسون

«جهانی شدن» به در هم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد و همچنین تراکم آگاهی فزاینده نسبت به جهان به عنوان یک کل، دلالت دارد. جهانی شدن به واسطه خاص شدن عام و عام شدن خاص به طور فزاینده‌ای از جوهر فرهنگ و بازاندیشی سرشار می‌شود. «رابرتسون» برای فرهنگ استقلال نسبی قائل است. یکی از وجوه فرهنگ، پیش‌انگاره‌های مربوط به نظم جهان یا سامان جهان است. نمی‌توان پذیرفت که پیش‌انگاره‌های اسلامی یا هندو درباره سامان جهان، یکسره تسلیم پیش‌انگاره‌های کشورهای مرکز شده باشد، تا آن‌جا که دیگر در ساختن فرهنگ نظام جهانی نقشی نداشته باشند. تلاش برای تئوریزه کردن مسأله جهانی شدن، علاوه بر تئوری‌پردازی درباره معنای جهان به عنوان یک کل، باید به نظریه «اراده گرایانه» توجهی خاص داشته باشد. در چنین نظریه‌ای، نظام جهانی قابل تقلیل به صحنه‌ای نیست که فقط در برگیرنده یک سلسله از جوامع یا کنشگران کلان یا هر دوی این‌ها باشد. بنابراین باید با افراد، جوامع، نظام‌های مرکب از جوامع و به همین صورت کلیت بشر در قالب یک چارچوب تحلیلی منسجم برخورد شود، ضمن آن‌که باید از تقلیل‌گرایی اجتناب شود. به موازات پیشرفت عمومی جهانی شدن فشارهای فزاینده‌ای بر این واحدها وارد می‌شود تا هویت خود را در رابطه با شرایط جهانی - بشری تعریف کنند. جهانی شدن فرهنگی، عام‌گرا شدن خاص و خاص‌گرا شدن عام است (رابرتسون، ۱۳۸۵). براساس تئوری «رابرتسون»، افراد می‌توانند از نقاط مرجع و الگوهای متفاوت فرهنگی، به ویژه در دو سطح ملی و جهانی، برای هویت‌سازی‌شان استفاده کنند. طبیعی است کسانی که تمایل بیشتری به ارزش‌های فرهنگی غرب دارند در جامعه خود بیشتر احساس بیگانگی فرهنگی - اجتماعی می‌کنند.

آگاهی از پیامدهای جهانی شدن فرهنگ در هر جایی تنها در پرتوی توصیف، تحلیل و ارزیابی تجربی آن وضعیت خاص، می‌تواند حاصل شود. قید «خاص» بدین دلیل به کار گرفته شده است که جهانی شدن نمی‌تواند واکنش‌های اجتماعی یکسان و مشخصی را در

پی داشته باشد؛ زیرا نوع تأثیر آن بر جوامع، اجتماعات، گروه‌ها و افراد تحت تأثیر، ذائقه‌ها، تمایلات، نیازها و منابع اجتماعی یا نهادی آن‌ها قرار دارد. به عبارتی، هرچند فشارهای بیرونی (جهانی) مشترک هستند، اما تنوع واکنش‌ها بیانگر کشمکش‌های خانگی (محلی) متمایز هستند (Rudy, 2004: 40). واکنش به فرهنگ جهانی به دو صورت «عام‌گرایی فرهنگی» یا «خاص‌گرایی فرهنگی» است. خاص‌گرایی فرهنگی توسل به عناصر هویت بخش خاصی است که در آن بر بی‌همتایی شیوه‌ها، اعمال و ایده‌های یک گروه یا جماعت معین تأکید می‌شود. «عام‌گرایان»، دیدی انتقادی نسبت به وضع موجود دارند و فرصت‌ها و امکان‌های فرهنگی ناشی از فرآیند جهانی شدن را به فال نیک می‌گیرند. «خاص‌گراها» کل فرآیند جهانی شدن یا بخشی از آن را با عبارت‌ها و عنوان‌های متفاوت رد می‌کنند و آن را تهدیدی جدید می‌دانند و ذات باور هستند (گل‌محمدی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

نویسندگان با پذیرفتن فرض ناهمگون بودن پیامدهای جهانی شدن فرهنگی و همچنین ناهمگون بودن واکنش‌های جوانان و نگرش آنان نسبت به این فرهنگ، با این فرض به مطالعه جهانی شدن فرهنگی و احساس امنیت سیاسی جوانان شهر شیراز می‌پردازند کسانی که باورهایی متناسب با عام‌گرایی فرهنگی (ارزش‌های لیبرال دموکراسی) دارند احساس امنیت سیاسی کمتری از آن‌هایی دارند که ارزش‌ها و باورهای خاص‌گرا (ارزش‌های دینی و عرفی ایرانی) دارند. برای سنجش متغیر گرایش به فرهنگ جهانی از سازه‌های دنیوی شدن (سکولاریسم)، نگرش درباره وضعیت حقوقی زنان در ایران، میزان بیگانگی اجتماعی - فرهنگی و نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف استفاده کردیم. دنیوی شدن از پدیده‌های مهم عصر جهانی شدن است. دنیوی شدن به حذف شدن نقش عمومی (و شاید خصوصی) برای مذهب در جامعه اشاره دارد. «ویلسون» می‌گوید: «دنیاگرایی فرآیندی است که در طی آن نهادها، کنش‌ها و آگاهی مذهبی اهمیت اجتماعیشان را از دست می‌دهند» (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۱۴). متغیرهای فوق از طریق گویه‌هایی با طیف لیکرت سنجیده شدند. برای بیگانگی اجتماعی - فرهنگی ۵ گویه؛ برای نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف ۵ گویه؛ برای نگرش در مورد وضعیت حقوقی زنان ۵ گویه و برای دنیوی شدن ۳ گویه به کار برده شد (گویه‌ها در جدول شماره ۲ آمده‌اند).

فرضیه‌های تجربی تحقیق شامل موارد زیر هستند:

- ۱- بین استفاده از رسانه‌ها و احساس امنیت سیاسی پاسخگویان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین دنیوی شدن و میزان احساس امنیت سیاسی پاسخگویان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین نگرش درباره وضعیت حقوقی زنان در ایران و میزان احساس امنیت سیاسی

پاسخگویان رابطه وجود دارد.

۴- بین میزان بیگانگی اجتماعی- فرهنگی و احساس امنیت سیاسی پاسخگویان رابطه وجود دارد.
 ۵- بین نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف و احساس امنیت سیاسی رابطه وجود دارد.
 رویکرد مورد استفاده در تحقیق کمی بوده و از روش پیمایشی و ابزار پرسش نامه برای جمع آوری داده‌ها استفاده شد. جامعه آماری تحقیق جوانان ۱۵- ۲۹ ساله ساکن شهر شیراز بوده‌اند که براساس جدول «لین» در سطح اطمینان ۹۶ درصد، ۶۰۰ نفر از آنان به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. با توجه با ناهمگون بودن مناطق مختلف شهر شیراز، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای- سهمیه‌ای - تصادفی به عنوان روش نمونه‌گیری انتخاب شد. اعتبار ابزار اندازه‌گیری (گویه‌های پرسش نامه) با کمک روش صوری (مشورت با اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز) و آزمون مقدماتی ارزیابی شد. ارزیابی پایایی گویه‌ها نیز از طریق آزمون «آلفای کرونباخ» محاسبه شد. ضریب آلفای احساس امنیت سیاسی و ابعاد جهانی شدن فرهنگ در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱- ضریب آلفا و تعداد گویه‌های متغیرهای مستقل و وابسته

نام متغیر	تعداد کل گویه	ضریب آلفا
رابطه با جنس مخالف	۵	۰/۸۳
بیگانگی اجتماعی	۵	۰/۷۲
نگرش نسبت به حقوق زنان	۵	۰/۷۳
دنیاگرایی	۳	۰/۷۸
احساس امنیت سیاسی	۱۰	۰/۸۵

در ابتدا اطلاعات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای یا ویژگی‌های فردی پاسخگویان از قبیل جنس، سن، وضعیت تأهل و سواد ارائه می‌شود. براساس نتایج تحقیق، ۵۳/۲ درصد از پاسخگویان زن و ۴۶/۷ درصد مرد بوده‌اند. از کل پاسخگویان، ۷۶/۳ درصد مجرد و ۲۳/۷ درصد متأهل؛ ۹۰/۳ درصد از قومیت فارس و ۹/۷ از سایر اقوام بوده‌اند (در بین این سایر قوم لر با ۳/۶ درصد بیشترین فراوانی را داشته است)؛ براساس متغیر وضع فعالیت، ۱۷/۶ درصد کارمند، ۱۵/۳ درصد بیکار، ۱۳/۵ درصد خانه‌دار، ۲۳/۵ درصد دانش‌آموز و ۲۷/۱ درصد دانشجو بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۱/۹۲ سال، میانه ۲۲ سال و مد (نما) ۲۴ سال بوده است. از کل پاسخگویان، ۳۳/۷ درصد بین سنین ۱۵- ۱۹؛ ۳۵/۹ درصد بین ۲۰- ۲۴ و ۳۰/۳ درصد بین ۲۵- ۲۹ سال قرار داشته‌اند.

توزیع نسبی پاسخ پاسخگویان به گویه‌های جهانی شدن فرهنگ

جدول ۳ به گویه‌های جهانی شدن، درصد پاسخ‌های پاسخگویان به هر گزینه آن و میانگین گویه‌ها مربوط می‌شود. در بین گویه‌های مربوط به رابطه با جنس مخالف گویه‌های ۱، ۲ و ۵ بیانگر مخالفت با رابطه با جنس مخالف هستند. میانگین این سه گویه بالاتر از ۳ و نزدیک به ۳ می‌باشد. گویه‌های ۳ و ۴ بیانگر مخالفت با برقرای رابطه با جنس مخالف هستند. بالاترین میانگین (۳/۵۵) به گویه ۲ مربوط است که نشان می‌دهد به تقریب ۶۰ درصد از پاسخگویان موافق‌اند که «دوستی با جنس مخالف باعث سستی بنیادهای اخلاقی می‌شود.» به تقریب یک سوم از پاسخگویان (۳۲ درصد) موافق این گویه‌اند که «دوستی دختر و پسر اشکالی ندارد.» بنابراین، هرچند نگرش پاسخگویان در مورد ارزیابی روابط دختر با پسر همگون نیست؛ اما با نگرش‌های سستی که مخالف ارتباط و دوستی پسر با دختر بوده است، فاصله دارد. در بین گویه‌های بیگانگی کمترین میانگین (۲/۶) به این گویه مربوط می‌شود که «غرب مهد آزادی و دموکراسی است و حقوق بشر در کشورهای غربی رعایت می‌شود.» بیش از یک سوم پاسخگویان (۳۵/۶) مشکلات اجتماعی در کشور را زیاد دانسته و آرزوی زندگی در یکی از کشورهای پیشرفته را دارند (گویه ۷). نکته جالب این که پاسخگویان دیگر غرب را مهد آزادی و دموکراسی نمی‌دانند؛ زیرا نزدیک به نیمی از پاسخگویان مخالف گویه ۸ بوده‌اند (۴۸/۴). در مورد گویه‌های نگرش نسبت به حقوق زنان، بالاترین میانگین (۲/۹۳) به این گویه مربوط است که «وضعیت حقوقی و مدنی زنان در جامعه ما کاملاً مطلوب است.» اما، در مورد این گویه ناهمسانی نگرشی بین پاسخگویان برجسته است. زیرا به تقریب چهل درصد از پاسخگویان (۳۹/۹) با این گویه مخالف و ۳۵ درصد با آن موافق بوده‌اند. در این بُعد، کمترین میزان میانگین (۲/۵۷) به این گویه مربوط است: «در جوامع غربی به زن بها داده می‌شود و حرمت و شأن واقعی در آن کشورها رعایت می‌شود.» بیش از نیمی از پاسخگویان با این گویه مخالف و ۳۵ درصد با آن موافق بوده‌اند. می‌توان گفت هرچند آگاهی از حقوق زنان و احترام به تساوی آن با مردان در بین پاسخگویان وجود دارد؛ اما این تمایلات در جهت تأیید و شیفتگی نسبت به موقعیت زنان در غرب نیست. در بین گویه‌های دنیوی شدن، کمترین مقدار میانگین (۲/۳۳) به این گویه مربوط است که «دخالت دین در امور دنیا مطلوب نیست.» از کل پاسخگویان ۶۳ درصد با این گویه مخالف و ۱۶/۲ درصد با آن موافق بوده‌اند. بالاترین میانگین (۲/۵۳) به این مربوط می‌شود که «با عقلانی شدن جهان باید از برخی ادعاهای دینی دست برداشت.» با توجه به میانگین کل گویه‌ها می‌توان گفت در بین شاخص‌های چهارگانه جهانی شدن فرهنگ، کمترین میزان میانگین به گویه‌های دنیوی شدن مربوط می‌شوند. به عبارتی جهانی شدن

فرهنگ در این بعد از فرهنگ پاسخگویان، کمترین تأثیر را داشته است.

جدول ۲- توزیع درصدی میزان موافقت پاسخگویان با گویه های جهانی شدن فرهنگ

ردیف	گویه ها	فصلنامه	م	ن	فصلنامه	م	ن
۱	دوستی با جنس مخالف امری ناپسند است.	۱۳/۲	۱۹/۹	۱۷/۱	۲۱/۷	۲۸/۱	۳/۳۲
۲	دوستی با جنس مخالف باعث سستی بنیادهای اخلاقی می شود.	۹/۱	۱۹/۴	۱۲/۴	۲۵/۴	۳۳/۷	۳/۵۵
۳	من با افرادی از جنس مخالفم راحتم و به راحتی می توانم با آنها دوست شوم.	۳۰/۶	۲۷/۲	۱۶/۷	۱۶/۷	۸/۹	۲/۴۶
۴	معاشرت و دوستی دختر و پسر اشکالی ندارد.	۲۴/۹	۲۵	۱۸/۲	۲۱/۷	۱۰/۳	۲/۶۷
۵	من دوستی دختر و پسر را حتی با انگیزه‌ی ازدواج، نمی پسندم.	۱۹/۱	۲۹/۸	۱۶/۵	۱۷	۱۷/۶	۲/۸۴
۶	اگر امکانات فراهم باشد حاضرم برای همیشه از ایران بروم.	۳۲/۵	۲۲/۸	۱۲/۱	۱۲/۵	۲۰/۲	۲/۶۵
۷	مشکلات اجتماعی و فرهنگی در کشور ما به حدی است که آرزو می کنم در یکی از کشورهای پیشرفته غربی زندگی می کردم.	۲۴/۶	۲۵/۲	۱۴/۶	۱۳/۹	۲۱/۷	۲/۸۳
۸	غرب مهد آزادی و دموکراسی است و حقوق بشر در آنجا رعایت می شود.	۲۲/۴	۲۶	۲۹/۲	۱۴/۴	۸	۲/۶۰
۹	من اغلب احساس می کنم که به جوهرهایی با جامعه ام هماهنگ نیستم.	۱۳/۲	۳۴/۷	۲۷/۶	۱۸/۹	۵/۶	۲/۶۹
۱۰	عقاید و نظرات من درباره موارد و موضوعات مهم غالباً با عقاید و نظرات خویشاوندان، پدر و مادر و اکثر مردم کشورم تفاوت دارد.	۹/۱	۳۶/۹	۱۹/۶	۲۲/۶	۱۱/۹	۲/۹۱
۱۱	کاش در ایران هم مثل غرب آزادی زنان و مردان در همه چیز به یک اندازه بود.	۳۰/۸	۲۱/۹	۱۷/۸	۱۶/۲	۱۳/۲	۲/۵۹
۱۲	به نظر من وضعیت حقوقی و مدنی زنان در جامعه ما کاملاً مطلوب است.	۱۴/۵	۲۵/۴	۲۵/۱	۲۲/۹	۱۲/۱	۲/۹۳
۱۳	در جوامع غربی به زن بها داده می شود و حرمت و شأن واقعی زنان در آن کشورها رعایت می شود.	۲۴/۴	۲۶/۲	۲۶/۷	۱۳/۴	۹/۴	۲/۵۷
۱۴	بر خلاف جوامع غربی در جامعه ما حقوق زنان توسط مردان پایمال می شود.	۱۶/۹	۲۷	۲۲/۸	۲۱/۵	۱۱/۹	۲/۸۴
۱۵	احکام اسلامی موجود در مورد زنان پاسخگوی نیازهای آنان نیست.	۱۶	۲۰/۳	۳۱/۱	۲۲/۲	۱۰/۴	۲/۹۱
۱۶	با عقلانی شدن جهان باید از برخی ادعاهای دینی دست برداشت.	۲۳/۶	۲۹/۴	۲۴/۴	۱۵/۷	۶/۹	۲/۵۳
۱۷	دخالت دین در امور دنیا مطلوب نیست.	۲۷/۶	۳۵/۴	۲۰/۸	۹/۴	۶/۸	۲/۳۳
۱۸	من معتقدم اسلام ابزارهای لازم را برای اداره اقتصاد جامعه در اختیار ندارد.	۲۷/۹	۲۷/۹	۲۱/۶	۱۴	۸/۷	۲/۴۸

داده‌های جدول ۳ به میزان موافقت پاسخگویان با گویه‌های احساس امنیت سیاسی مربوط است. براساس داده‌های جدول، بیشترین دغدغه سیاسی پاسخگویان «نبود آزادی بیان و عدم هماهنگی بین مسئولان سیاسی کشور» است. با توجه به جهت منفی گویه ۴، می‌توان گفت بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۱/۶ درصد) با این گویه مخالف‌اند که بیانگر ترس و نگرانی بابت انتقاد کردن از حکومت است. با توجه به میانگین گویه‌ها و جهت آن‌ها، می‌توان گفت، احساس امنیت سیاسی پاسخگویان متوسط و روبه پایین بوده است.

جدول ۳- جدول توزیع درصدی میزان موافقت پاسخگویان با گویه‌های احساس امنیت سیاسی

ردیف	گویه‌ها	تعداد موافق	تعداد مخالف	تعداد بی‌تفاوت	تعداد کل	احساس امنیت سیاسی گویه‌ها	ردیف
۱	حاکمان ایران توجهی به خواسته‌های مردم ندارند.	۱۷/۵	۲۷/۹	۲۳/۳	۲۲/۱	۳/۳۲	۱
۲	مسئولان سیاسی جامعه ما افراد شایسته و توانمندی هستند.	۱۵	۳۳/۸	۲۳/۸	۱۲/۷	۳/۰۵	۲
۳	در اوضاع فعلی، حکومت به همه مردم به یک چشم نگاه نمی‌کند.	۱۵/۲	۲۶/۷	۲۶/۹	۲۱/۵	۳/۳۵	۳
۴	مردم در شرایط فعلی می‌توانند بدون ترس و نگرانی از حکومت انتقاد کنند.	۲۲/۳	۲۳	۱۶/۹	۸/۵	۲/۵۳	۴
۵	نمایندگان مجلس واقعاً برگزیده مردم هستند و مطابق خواست مردم کار می‌کنند.	۲۷/۹	۲۵/۳	۲۰/۸	۹/۳	۲/۷۸	۵
۶	نمی‌توانیم اندیشه‌ها و خواسته‌های خود را آزادانه بیان کنیم.	۲۰/۲	۱۸/۱	۳۲/۷	۲۱	۳/۳۹	۶
۷	روزنامه‌ها خیلی چیزها را جرأت ندارند بنویسند.	۱۵/۶	۲۱/۲	۳۲/۵	۲۶/۶	۳/۶۲	۷
۸	حکومت برای رأی و نظر مردم اهمیت زیادی قائل است.	۱۷/۲	۲۷/۲	۲۷/۲	۱۴/۵	۳/۱۲	۸
۹	اوضاع سیاسی کشور نسبت به ۵ سال قبل بهتر شده است.	۱۸/۳	۲۷	۲۴	۱۴/۹	۳/۰۴	۹
۱۰	هماهنگی لازم و کافی بینظ مسئولان سیاسی کشور وجود ندارد.	۱۳/۹	۲۹/۹	۳۳/۴	۱۸/۵	۳/۴۸	۱۰

آزمون ضریب همبستگی

بر اساس آماره‌های جدول ۴، همبستگی بین همه متغیرهایی که شاخص‌های گرایش به فرهنگ جهانی محسوب می‌شوند مثبت و از نظر آماری در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار

هستند. برعکس، همبستگی بین این متغیرها با احساس امنیت سیاسی پاسخگویان منفی است. متغیرهای استفاده از رسانه‌ها و نگرش نسبت به حقوق زنان، به ترتیب، کمترین و بیشترین میزان همبستگی منفی را با احساس امنیت سیاسی پاسخگویان دارند. به عبارتی، هرچه افراد تصور کنند وضعیت حقوقی زنان در جامعه ما نامطلوب‌تر از جوامع غربی است یا این که حقوقشان در جامعه رعایت نمی‌شود، احساس امنیت سیاسی آن‌ها کاهش می‌یابد. بعد از، نگرش نسبت به حقوق زنان، متغیر بیگانگی اجتماعی - فرهنگی بالاترین همبستگی منفی و معکوس را با احساس امنیت سیاسی پاسخگویان دارد. همبستگی مثبت و متوسط بین متغیرهای بیگانگی و نگرش نسبت به حقوق زنان (۰/۵۳) نشان می‌دهد هرچه افراد بیشتر احساس کنند حقوق زنان در جامعه رعایت نمی‌شود، میزان بیگانگی اجتماعی - فرهنگی شان به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. با توجه به نتایج این آزمون، آن‌چه بیشترین رابطه را با احساس ناامنی سیاسی پاسخگویان دارد نه متغیرهای عینی (مانند استفاده از رسانه‌ها)؛ بلکه، متغیرهای نگرشی و فرهنگی مانند آگاهی از وضعیت حقوقی زنان در جامعه، بیگانگی اجتماعی - فرهنگی و نگرش نسبت به چگونگی رابطه دختر و پسر می‌باشد.

جدول ۴- همبستگی دو متغیره‌ی متغیرهای تحقیق با یکدیگر و با متغیر وابسته

احساس امنیت سیاسی	رسانه‌ها	دنیوی شدن	نگرش نسبت به حقوق زنان	بیگانگی اجتماعی فرهنگی	رابطه با جنس مخالف	
					۱	رابطه با جنس مخالف
				۱	۰/۴۳**	بیگانگی اجتماعی - فرهنگی
			۱	۰/۵۳**	۰/۴۳**	نگرش نسبت به حقوق زنان
		۱	۰/۴۷**	۰/۴۱**	۰/۳۵**	دنیوی شدن
	۱	۰/۰۵	۰/۱۶**	۰/۱۷**	۰/۲۷**	رسانه‌ها
۱	-۰/۱۰*	-۰/۳۰**	-۰/۵۰**	-۰/۴۸**	-۰/۲۹**	احساس امنیت سیاسی

* در سطح ۹۵ درصد معنی دار است.

** در سطح ۹۹ درصد معنی دار است

آزمون هم خطی

به منظور تعیین مسأله هم خطی یا هم خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل تحقیق، از سه شاخص استفاده می‌شود: «تولرانس»^۱، «عامل تورم واریان»^۲ و «شاخص وضعیت»^۳. ارزش تولرانس ۱- بیانگر عدم همبستگی و ارزش صفر بیانگر همبستگی کامل یک متغیر با متغیرهای دیگر است. یک ارزش VIF بیشتر از ۲- نشانگر همبستگی نزدیک و یک ارزش نزدیک به یک بیانگر رابطه کم یا هیچ رابطه‌ای است (بلیکی^۴، ۲۰۰۳: ۲ و ۴). مقدار شاخص وضعیت نیز هرچه کمتر باشد نشانگر نبود هم خطی بین متغیرهای مستقل است. هنگامی که مقدار آن بزرگ‌تر از ۱۵ باشد، نشان دهنده احتمال هم خطی بین متغیرهای مستقل است (حبیب پور و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۵۱۰). نتایج آزمون هم خطی (جدول ۵) نشان می‌دهد فرض هم خطی بودن متغیرهای مستقل تحقیق رد می‌شود، زیرا مقدار تولرانس و VIF و شاخص وضعیت مربوط به متغیرهای مستقل در دامنه قابل قبولی قرار دارند.

جدول ۵- نتایج آزمون هم خطی متغیرهای تحقیق

شاخص وضعیت	شاخص هم خطی		نام متغیر
	VIF	تولرانس	
۱/۰۰	۱/۴۰	۰/۷۱	بیگانگی اجتماعی- فرهنگی
۵/۰۷	۱/۳۸	۰/۷۳	ارزیابی وضعیت حقوقی زنان
۷/۰۷	۱/۲۳	۰/۸۱	رابطه با جنس مخالف
۸/۶۳	۱/۲۸	۰/۷۷	دنیوی شدن
۱۰/۴۹	۱/۰۲	۰/۹۷	رسانه‌ها

آزمون رگرسیون چند متغیره

در این مقاله از آزمون «رگرسیون» به شیوه گام‌به‌گام استفاده شده است. از بین چهار متغیر وارد شده به معادله (جدول ۵)، تنها متغیرهای نگرش نسبت به وضعیت حقوق زنان و بیگانگی اجتماعی - فرهنگی در معادله رگرسیون باقی ماندند. براساس آماره‌های جدول ۶، مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق ۰/۵۷ می‌باشد که

- 1- Tolerance
- 2- Variance Indicator factor(VIF)
- 3- Condition index
- 4- Blaikie

بیانگر همبستگی به نسبت بالای دو متغیر فوق و متغیر وابسته تحقیق می باشد. مقدار ضریب تعیین (Adj.R) برابر ۰/۳۲ می باشد که نشان می دهد این دو متغیر توانسته اند ۳۲ درصد از واریانس کلی احساس امنیت سیاسی جوانان شهر شیراز را تبیین کنند. براساس ضرایب بتای متغیرها، نگرش نسبت به وضعیت حقوقی زنان بیشترین تأثیر منفی را بر کاهش احساس امنیت سیاسی پاسخگویان دارد؛ تا جایی که مقدار تأثیر آن بر متغیر وابسته به تقریب دو برابر تأثیر متغیر بیگانگی اجتماعی - فرهنگی می باشد. متغیر بیگانگی اجتماعی - فرهنگی ضریب تعیین را به میزان ۶ درصد افزایش داده است. تأثیر مستقل (Beta) این متغیر بر احساس امنیت سیاسی پاسخگویان ۰/۲۹- و میزان قابل توجهی است. متغیرهای خارج شده از معادله رسانه ها، نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف و میزان دنیوی شدن بوده اند. به عبارتی، تأثیر این سه متغیر بر احساس امنیت سیاسی غیرمستقیم و از طریق تأثیرگذاریشان بر متغیرهای نگرش نسبت به حقوق زنان و بیگانگی اجتماعی - فرهنگی بوده است (مقایسه شود با جدول ۴ که همبستگی همه این متغیرها با احساس امنیت سیاسی معنی دار بوده است).

جدول ۶- آزمون رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام برای بررسی رابطه متغیرهای مستقل با احساس

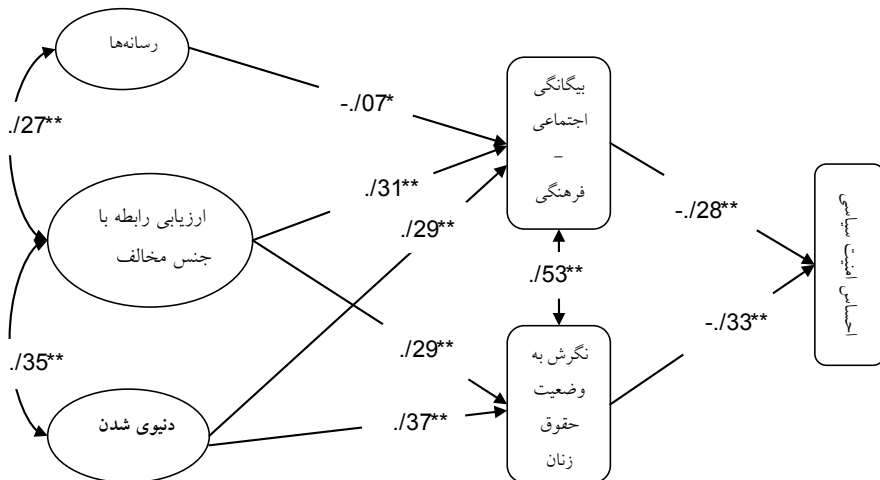
امنیت سیاسی

نام متغیر	R	Adj.R ²	B	Beta	t	Sig
نگرش نسبت به حقوق زنان	۰/۵۰	۰/۲۵	-۰/۹۱	-۰/۵۰	-۱۴/۰۹	۰/۰۰۰
بیگانگی اجتماعی - فرهنگی	۰/۵۶	۰/۳۱	-۰/۴۷	-۰/۲۹	-۷/۲۵	۰/۰۰۰
۴۵ a=F= ۱۰ ۱۳۴/Sig= ۳۵ ۰/۰۰۰						

تحلیل مسیر

برای ارزیابی رابطه زنجیره ای و غیرمستقیم متغیرها بر احساس امنیت سیاسی پاسخگویان از روش تحلیل مسیر استفاده شد. همان طور که مسیر پیکانها در نمودار ۱ نشان می دهد، تأثیر رسانه ها، ارزیابی رابطه با جنس مخالف و دنیوی شدن بر احساس امنیت سیاسی غیرمستقیم و از طریق تأثیری است که بر نگرش نسبت به وضعیت حقوقی زنان و بیگانگی فرهنگی - اجتماعی می گذارند. تأثیر رسانه ها بر احساس امنیت سیاسی از طریق تأثیر منفی است که بر احساس بیگانگی اجتماعی - فرهنگی و تأثیر مثبتی است که بر نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف دارد. اما، تأثیر متغیرهای نگرش نسبت به رابطه با جنس

مخالف و دنیوی شدن بر احساس امنیت سیاسی از طریق تأثیر مثبتی است که بر بیگانگی اجتماعی - فرهنگی و نگرش نسبت به وضعیت حقوقی زنان می‌گذارد، متغیرهایی که خود مستقیماً موجب کاهش احساس امنیت سیاسی پاسخگویان می‌شوند. بیگانگی اجتماعی - فرهنگی و نگرش نسبت به وضعیت حقوقی زنان در جامعه هم متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند و هر دو تأثیر منفی بر احساس امنیت سیاسی پاسخگویان دارند.



نمودار ۱- مسیراثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر احساس امنیت سیاسی

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در طول تاریخ ناامنی و چگونگی مقابله با آن بوده است. در هر دوره‌ای انسان‌ها متناسب با سطح پیچیدگی زندگی اجتماعی‌شان به گونه‌ای از پس تأمین امنیت خود برآمده‌اند. قبل از شکل‌گیری دولت مدرن، تأمین امنیت در جامعه ما بیشتر از طریق آن چیزی تأمین می‌شد که «ابن‌خلدون» آن را «عصبیت قبیله‌ای» می‌نامد. با پیدایش دولت مدرن و فراگیر شدن آن، مردم فکر می‌کردند، دولت‌ها می‌توانند بنیان محکمی برای تأمین امنیتشان در سطح داخلی و دفاع از تهدیدات خارجی باشند. نماینده مشهور این طرز تفکر «توماس هابز» است که «لویاتان» را به مثابه مهم‌ترین عامل تأمین امنیت داخلی و مقابله با تهدیدات خارجی به تصویر می‌کشد. امروزه، آنچه بیشتر از همه، هستی دولت و قدرت آن برای تأمین امنیت مردم و مقابله با تهدیدات خارجی را محدود

کرده است، پروسه جهانی شدن یا به بیان عده‌ای پروژه جهانی سازی است. به هر حال این فرآیند جدید را هرچه بنامیم و آن را هرگونه که تصور کنیم، گردونه بی‌مهاری شده است که امنیت دولت‌ها، اجتماعات و شهروندان را بر هم زده است. بنابراین، ناامنی از جمله مسایلی است که، در شرایط جهانی شدن، بیشترین توجهات را به خود معطوف کرده است و نظریه پردازان اجتماعی دیگر تمرکز بر سطح جامعه یا در درون دولت - ملت‌ها را برای ارزیابی و شناخت مسایل امنیتی کافی نمی‌دانند. چیزی که کمتر در جامعه ما مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است و تحقیقات انجام شده نیز بیشتر از نقطه نظر تحلیلی، گفتمانی و با رویکرد سیاسی و علوم سیاسی به این مسأله پرداخته‌اند. به عبارتی، آن‌ها به تبع داشتن یک دولت مقتدر و قوی جهت تأمین امنیت مردم، بر تحلیل و بررسی رابطه جهانی شدن با امنیت دولت‌ها یا واکنش دولت‌ها به آن متمرکز شده‌اند.

آنچه کمتر تحلیل شده است، بررسی تأثیر جهانی شدن بر ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورهای مردم عادی در زندگی معمولی و در سطح زندگی روزمره‌شان و در نتیجه، چگونگی تغییر تصور آن‌ها از کیفیت تعاملشان با دولت می‌باشد. اکثر محققان در بهترین حالت دولت‌ها را نمایندگان تام‌الاختیار و تجسم عینی مردم می‌پندارند و تنوعات درونی دولت - ملت‌ها (جوامع) را نادیده گرفته یا بی‌اهمیت دانسته‌اند. غافل از این‌که در دوران اخیر، امنیت دولت‌ها متکی و مبتنی بر امنیت شهروندان درون چارچوب آن‌ها بوده و قدرت دولت‌ها نیز در پرتوی جریان «گردش آزاد اطلاعات» کاهش یافته است. این تحقیق با اتکا بر فرض ناهمگون بودن جمعیت درون جامعه ایران، ناهمگونی پیامدهای جهانی شدن (به‌خصوص بعد فرهنگی آن)، همچنین، ناهمگون بودن واکنش‌های افراد نسبت به انتشار فرهنگ جهانی (به‌خصوص جوانان که می‌توانند دسترسی بیشتری به تکنولوژی‌های جدید داشته و مهارت استفاده از آن‌ها را دارند)، رابطه جهانی شدن فرهنگ با احساس امنیت سیاسی جوانان شهر شیراز را بررسی کرد.

نتایج تحقیق نشان داد جهانی شدن فرهنگ افزایش احساس ناامنی سیاسی آن‌هایی را به دنبال داشته است که احساس می‌کنند حقوقشان در جامعه، یا در مقایسه با هم‌تاهای‌شان در کشورهای غربی، کمتر رعایت می‌شود. به‌علاوه، کسانی که شرایط زندگی در غرب را مطلوب می‌دانند و احساس می‌کنند ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن‌جا مناسب‌تر از ارزش‌های حاکم بر جامعه ایران است، احساس امنیت سیاسی کمتری به نسبت دیگران دارند. در پرتوی نتایج رگرسیون چند متغیره می‌توان گفت؛ مهم‌ترین متغیرهایی که کاهش احساس امنیت سیاسی پاسخگویان را به همراه داشته است، نگرانی آن‌ها نسبت به عدم رعایت حقوق و شیوه زندگی خود و احساس بیگانگی فرهنگی - اجتماعی بوده است.

رسانه‌ها، نیز، به صورت غیرمستقیم و از طریق تغییر دادن نگرش و باور آن‌ها نسبت به شیوه مطلوب زندگی و شرایط زندگی ایده‌آل، بر احساس امنیت سیاسی پاسخگویان تأثیر منفی داشته‌اند. در پرتوی دو مفهوم اساسی و کمتر کاویده شده تئوری «گیدنز»، **پایبندی‌های بی‌چهره و پایبندی‌های چهره‌دار** می‌توان گفت جوانان در پرتوی آشنایی غیرمستقیم یا با واسطه و حتی حضوری با نحوه برخورد مسئولان سیاسی کشورهای دیگر با شهروندانشان چشم‌داشت‌هایی را در پهنه زمانی - مکانی فاصله دار کسب می‌کنند؛ اما، در نقاط دسترسی، طرز سلوک نمایندگان یا مجریان نظام با آن چشم‌داشت‌های کسب شده ناسازگار هستند و این به نارضایتی و احساس ناامنی سیاسی آن‌ها می‌انجامد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی:

- ۱- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۴)، ارزش‌های جهانی و زندگی روزمره ایرانیان، مجموعه مقالات هویت ملی و جهانی شدن، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۲- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ۳- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، ناامنی جهانی؛ چهره دوم جهانی شدن، در: ناامنی جهانی؛ چهره دوم جهانی شدن، اندرو هورل؛ به اهتمام اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۴)، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۴)، جهانی شدن و هویت، مجموعه مقالات هویت ملی و جهانی شدن، تهران، دانشگاه تهران.
- ۶- حبیب پور گتایی، کرم و صفری شالی، رضا (۱۳۸۸)، راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده های کمی). تهران، لویه، متفکران.
- ۷- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵)، جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، ثالث.
- ۸- عبدی، عباس و گودرزی، محسن (۱۳۸۸)، تحولات فرهنگی در ایران، تهران، علم.
- ۹- کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰)، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، تهران، قومس.
- ۱۰- کچویان، حسین (۱۳۸۷)، تطورات گفتمان‌های هویتی ایران، جاپ سوم، تهران، نشر نی.
- ۱۱- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۴)، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱. تهران، معاونت اجتماعی ناجا.
- ۱۲- گل محمدی، احمد (۱۳۸۳)، جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران، نی.
- ۱۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نی.

- ۱۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، مرکز.
- ۱۵- نکوئی سامانی، مهدی (۱۳۸۶)، دین و فرآیند جهانی شدن، قم، بوستان کتاب
- ۱۶- هادوی، حسین (۱۳۸۵)، نخبگان و امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات اولین سمینار پلیس، توسعه و امنیت، اراک ۱۳۸۴، معاونت اجتماعی ناجا استان مرکزی، تهران.
- ۱۷- همیلتون، ملکلم (۱۳۷۷)، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تبیان.
- ۱۸- استوری، جان (۱۳۸۸)، جهانی شدن و فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، فصلنامه فلسفی، ادبی و فرهنگی ارغنون، شماره ۲۴، مجموعه مقالات جهانی شدن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات: ۳۰۱-۳۱۸.
- ۱۹- افتخاری، اصغر (بهار ۱۳۸۱)، ساختار و تأویل امنیت: درآمدی بر روش شناسی تفسیری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی) (۱۵): ۱۱-۳۰.
- ۲۰- افروغ، عماد (زمستان ۱۳۸۱)، جامعه شناسی امنیت، مؤلفه‌ها و ریشه‌های تاریخی، راهبرد، شماره بیست و ششم: ۲۴۰-۲۶۳.
- ۲۱- امام جمعه زاده، سید جواد و موسوی، سعید (بهار ۱۳۸۹)، جهانی شدن و روند عام گرایبی و خاص گرایبی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۷: ۷۵-۹۶.
- ۲۲- امیری، ابولفضل (بهار ۱۳۹۰)، جهانی شدن فرهنگ و راهبردهای مقاومت فرهنگی، فصلنامه مطالعات بسیج، سال چهاردهم، شماره ۵۰: ۸۱-۱۰۸.
- ۲۳- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، چارچوب روش شناسی برای بررسی احساس امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم: ۱۷-۳۳.
- ۲۴- حسینی فر، عبدالرحمن (پاییز ۱۳۸۳)، دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۳۳: ۱۲۱-۱۴۲.
- ۲۵- ستوده، محمد (تابستان ۱۳۷۹)، جهانی شدن و امنیت ملی، علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم: ۳۲-۴۳.
- ۲۶- رنجبر، مقصود (تابستان ۱۳۷۹)، گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، علوم سیاسی، شماره نهم: ۶۴-۹۱.
- ۲۷- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۸)، جهانی شدن: مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه فلسفی، ادبی و فرهنگی ارغنون، شماره ۲۴، مجموعه مقالات جهانی شدن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات: ۱-۵۸.
- ۲۸- کتابی، محمود؛ میرزایی، جلال و شاهرخی، احسان (زمستان ۱۳۸۶)، بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی در شهر اصفهان، فصلنامه توسعه انسانی، دوره دوم، شماره ۲، زمستان: ۳۱-۵۵.
- ۲۹- کجویان، حسین (پاییز و زمستان ۱۳۸۲)، جهانی شدن و فرهنگ: معضله‌ای حل ناشدنی، نامه انسان شناسی، دوره اول، شماره چهارم: ۱۴۱-۱۶۳.
- ۳۰- گیدنز، آنتونی (اسفند ماه ۱۳۸۱)، چشم اندازه‌های نظم جهانی، ماهنامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آفتاب، سال سوم، شماره بیست و سوم: ۴۶-۵۳.

- ۳۱- منتظر قائم، مهدی و شاقاسمی، احسان (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، اینترنت و تغییر اجتماعی در ایران، نگاهی فرا تحلیلی با تأکید بر جوانان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴: ۱۲۰-۱۴۲.
- ۳۲- ونژاد، مسعود (مرداد ماه ۱۳۷۷)، راهی به سوی توسعه پایدار، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۱۱ و ۱۲.

منابع انگلیسی

- 1- Alexander, Jeffry & Smith, Philip. (2006) , " Elements of A Structural Hermeneutics" , in: Handbook of Sociological Theory, Edited by, Turner, Jonathan H. U.S.A, New York.
- 2- Ameli, Saied Reza (February 2004) , Global Space: Powerfulness and Powerlessness of Cultures, Journal of Social Science, No.22. Vol. 11, Pp.81- 89.
- 3- Appadurai, Arjun (2001) , Disjuncture and Difference in the Gobal Cultural Economy, In: The Globalization Reader, Edited by Frank J. Lechner and Jonn Boli, USA, Blackwell , Pp. 322- 330.
- 4- Beck, U. (January/ march 2000_a), The Cosmopolitan Perspective: Sociology of the Second Age of Modernity, British Journal of Sociology, Vol. 51, No. 1 , PP: 79-105.
- 5- Beck, U.(Fall 2002) , The Salience of Words and Political Dynamics in the World Risk, Logos, vol.1, Issue,4, Intrivewier (Douglas Kellner).
- 6- Beck, U. (2006) , The Cosmopolitan State: Redefining Power in The Global Age, [www //http: Int J Polit Cult Soc\(2005\) , Springer Science +Business Media, llc\(143-159\).](http://www.IntJPolitCultSoc.com)
- 7- Beck, U.& Sznaider, Natan(2006) , Unpacking Cosmopolitanism For The Social Sciences as A Research Agenda, The British Journal of Sociology, Vol. 57, Issue, 1.
- 8- Beck, U. (2007) , Risk society: Towards a New Medernity, London, Sage
- 9- Blaikie, Norman (2003) , Analyzing Quantitative Data, From Description to Explanation, London, sage Publication.
- 10- Ekberg, Merry (May 2007) , The Parameters of the Risk Society: A Review and Exploration, Current Sociology, vol. 55(3) , Pp. 343-366.

- 11- Giddens, Anthony (2000) , Runaway World: How Globalization Is Reshaping Our Lives, New York, Rout ledge.
- 12- Giddens, Anthony (2001) , Dimensions of Globalization, In: The New Social Theory Reader, Contemporary Debates, Edited by Sidman, Steven & Alexander, Jeffrey C. , London and New York, Routt ledge.
- 13- Giddens, Anthony (2002).” Living in a Post- Traditional Society”. in: U. Beck& A. Giddens and Scott Lash, Reflexive Modernization: Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order.UK: Polity press, fifth print.
- 14- Haeri, Shahla (2001) , Obedience Versus Autonomy: Women and Fundamentalism in Iran and Pakistan, In: The Globalization Reader, Edited by Frank J. Lechner and Jonn Boli, USA, Blackwell. Pp. 350- 358.
- 15- Huntington, Samuel P. (2001) , The Clash of Civilizations, in: The Globalization Reader, Edited by, Frank J. Lechner and John Boli, U.S.A, Black Well, Pp. 27- 33.
- 16- Karner, Christian& Aldridge, Alan (Fall 2004) , Theorizing Religion in a Globalizing World, International Journal of Politics, Culture and Society, Vol. 18, No. 1, Pp. 5- 32.
- 17- Khaled, Mahjabeen Ms (2007) , Globalization and Religion , Conference on Globalization, Conflict and the Experencies of Localities.
- 18- Line, N. (1978) , Foundation of Social Research, New York, McGraw Hill.
- 19- Marshall,Gordon(1998) , Oxford Dictionary of Sociology, New York, Oxford, second edition.
- 20- Mc Luhan, M. (1960) , The Gutenberg Galaxy, Toronto, Toronto University Press.
- 21- McSweeney, Bill (2004) , Security, Identity and Interests, A Sociology of International Relations, Britian, Cambridge university.
- 22- Pieterse, Jan Nederveen(2001) , Globalization as Hybridization, In: The Globalization Reader, Edited by, Frank J. Lechner and John Boli , U.S.A, Black Well, Pp. 99- 107.
- 23- Rudy, Sayres S. (2004) , Subjectivity, Political Evolution and Eslamist

Trajectories, in: Globalization and the Muslim World, Edited by, Birgit Schaebler & Leif Stenberg, New York, Syracuse, Pp. 39- 79.

24- Sarah, Merrouche (June 2006) , Cultural Globalization or Cultural Imperialism, Sciences and Humanities, No. 25, Pp. 130- 140.

25- Steele, Brant J . (2008) , Ontological Security in International Relations, London and New York, Rout ledge.

26- Thomas, Caroline (2007) , Globalization and Human Security, In: Globalization, Development and Human Security, Edited by, Anthony McGrew & Nana K. Poku. London, polity, Pp: 107- 132.

27- Williams, Paul D. (2007) , Security Studies: An Introduction, USA and Canada, Rout ledge, Pp: 1-9

Globalization of Culture and the Sense of Political Security: The Case of the Youth of Shiraz

Allahrahm Heydari

Assistant Professor in Sociology, University of Yasuj

Halimeh Enayate

Associate Professor in Sociology, University of Shiraz

Majid Movahed

Associate Professor in Sociology, University of Shiraz

Security or insecurity in any era is a function of the quality of social life. In modern time, states were both the reference and the source of security of human beings. In the most recent time, globalization seems to have exerted a huge impact on the integrity of nation-states and everyday life of citizens all throughout the world. Hence, a major consequence has been the change in the citizens' feeling and attitude about political security.

This paper, looking from the window of globalization of culture and utilizing a survey method, tries to investigate the relationship between globalization and the feeling of political security in the youth of the city of Shiraz. Our findings reveal that respondents' attitude towards women's human rights and their social-cultural alienation have played the most negative role in the change of the structure of their feeling towards political security.

Keywords: Globalization, culture, political security, Shiraz, the youth.